

گونه‌شناسی حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی

محمدحنیف طاهری^۱

چکیده

گونه‌شناسی تروریسم و حرکت‌های تروریستی، از مسائل اساسی و روز موضوع «تروریسم‌شناسی» است، زیرا از موضوعات چالشی جهان معاصر، شناخت پدیده‌ی تروریسم و تیپولوژی آن است. این جستار با روش تحلیلی-توصیفی و با هدف شناسایی و معرفی حرکت‌ها و جریان‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی تدوین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با حرکت‌های تروریستی متنوع و متعدد داخلی، دولتی و بین‌المللی روبه‌رو بوده است: تروریسم التقاطی - آنارشستی گروه فرقان، تروریسم نظام‌برانداز و چپ‌گرای سازمان مجاهدین خلق، تروریسم ناسیونالیستی - مذهبی جیش العدل (گروه ریگی)، تروریسم چپ‌گرا و قومی پژاک، تروریسم تکفیری - انتحاری داعش، تروریسم گروه‌های ناسیونالیستیک و تجزیه‌طلبانه‌ی کومله و الاحوازیه و در نهایت تروریسم دولتی امریکا و اسرائیل، از مهم‌ترین مصادیق حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی است. استراتژی گروه‌ها و دولت‌های تروریستی دشمن جمهوری اسلامی، همواره بر دو نوع ترور متمرکز بوده است: ترورهای هدفمند چهره‌های شاخص سیاسی، مذهبی، علمی و

^۱. دکتری اندیشه‌ی معاصر مسلمین جامعه‌المصطفی و پژوهشگر مطالعات اسلامی

نظامی جمهوری اسلامی و ترورهای کور شهروندان عادی، که با انفجارهای اماکن مذهبی و سیاسی و تیراندازی‌های خونین همراه بوده است. راهبرد مستمر دشمنان جمهوری اسلامی، افزون بر جنگ نرم و جنگ سخت تحمیلی هشت ساله، بر استراتژی ارعاب و ارهاب، براندازی نظام، ترور عناصر تأثیرگذار سیاسی، نظامی، علمی/ هسته‌ای و ناامن کردن ایران متمرکز بوده است.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، گونه‌شناسی، ایران‌هراسی، گروه‌های تروریستی، تروریسم دولتی، جمهوری اسلامی.

تمهید: طرح مسئله

یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی جهان مدرن و پسامدرن، بحث «تروریسم‌شناسی» و به عبارتی، شناخت حرکت‌ها و جریان‌های تروریستی یا گونه‌شناسی تروریسم است. اهمیت و ضرورت این موضوع به دلیل رشد فزاینده و گسترش بیش از اندازه‌ی پدیده‌ی تروریسم است، به گونه‌ای که در ادبیات برخی از پژوهشگران این موضوع، عصر کنونی، به «عصر تروریسم» معروف است.^۱ البته تروریسم پدیده‌ی تازه‌ی نیست، بلکه قرن‌هاست که با ماست؛ از این رو، تروریسم از نظر سابقه، همزاد بشر به شمار می‌رود و با تولد او به دنیا آمده و استراتژی و تاکتیکی است که در تاریخ، افراد ضعیف برای ترساندن زورمندان و افراد قوی برای ترساندن ضعیفان از آن بهره جسته‌اند؛ از این رو، ریشه‌کنی کامل تروریسم ناممکن به نظر می‌رسد؛ بنابراین، بشر برای به حداقل رساندن آن و کاهش آسیب‌ها و مخاطرات آن باید بکوشد و این امر، عزم جدی و همکاری صادقانه‌ی دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را می‌طلبد.

مسئله‌ی دیگری که بحث تروریسم را پیچیده و دارای ابهام نموده است، نبود اجماع بر سر تعریف آن است؛ انعطاف‌ناپذیری و آشفتگی معنا و مفهوم تروریسم، سبب بسط و لغزندگی این مفهوم در معانی و مفاهیم گوناگون و متعددی شده است. امروزه، تروریسم به هر نوع امر خشونت‌بار و نه فقط امر خشونت‌بار سیاسی گفته می‌شود. مبارز، مجاهد، انقلابی، گریلا (چریک)، پیکارگر، رزمنده، تروریست، آنارشیت، آشوبگر، راهزن، محارب و یاغی — همه — به معانی نزدیک و مشابه و بعضاً در معنای واحد به کار می‌روند. این دولت‌ها و گروه‌های سیاسی نظامی هستند که مصادیق این مفاهیم را تعیین کرده، به این مفاهیم معنا می‌بخشند. یک گروه، از نظر یک یا چند دولت مبارز و جهادی است، ولی از نظر یک یا چند دولت دیگر

۱. والتر لاکوتر، از پژوهشگران برجسته‌ی تروریسم، کتابی دارد تحت عنوان عصر تروریسم که در سال ۱۹۸۷ م منتشر شده است.

تروریست برشمرده می‌شود. گروه دیگری از نظر کشوری تروریست است و از نظری کشور دیگر، پیکارجو و انقلابی. این امر مسئله‌ی تروریسم را به امر پیچیده و مشکل حل‌ناشدنی تبدیل نموده است. برخی از پژوهشگران تروریسم‌شناسی، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی را برای مفهوم تروریسم بیان کرده‌اند که برای فهم و تبیین این واژه راه‌گشاست،^۱ ولی رفتار دوگانه و صرفاً سیاسی برخی از دولت‌ها و قدرت‌های حامی تروریسم با این مفهوم و مفاهیم مشابه مانند حقوق بشر و دموکراسی، سبب شده است شاخصه‌ها و معیارهای گفته‌شده در میدان عمل نقش در خور توجهی ایفا نکند.

براساس این، برای مبارزه با تروریسم توجه به دو امر ضروری است: الف. اجماع بین‌المللی بر سر تعریف تروریسم؛ ب. اجتناب از رفتار دوگانه و سیاسی. تحقق این دو می‌تواند آسیب‌ها و مخاطرات تروریسم را به حداقل برساند. جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهایی است که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون به دلیل اتخاذ سیاست دینی و گفتمان جدید استکبارستیزانه، بیش از چهار دهه است که قربانی تروریسم و به تعبیری دیگر، آماج حرکت‌های تروریستی متنوع قرار گرفته است: تروریسم التقاطی آنارشیستی فرقان و سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، تروریسم قومی مذهبی جندالله موسوم به ریگی، تروریسم چپ‌گرای پژاک، تروریسم گروه‌های قومی و تجزیه‌طلب امروزی مانند کومله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و الاحوازیه (جنبش مبارزه‌ی عربی برای آزادی اهواز/حرکه‌النضال العربی لتحریر الاحواز) و...، که تحت حمایت دولت‌ها و حکومت‌های دشمن جمهوری اسلامی هر از گاهی دست به اقدامات تروریستی هدفمند و کور می‌زنند و افراد تأثیرگذار و شهروندان عادی را قربانی اقدامات تروریستی‌شان می‌کنند، چنانکه تروریسم دولتی امریکا و اسرائیل، یکی از گونه‌های مهم حرکت‌های تروریستی برشمرده می‌شود که

۱. نگارنده نیز برخی از شاخصه‌های تروریسم را در نوشتار دیگری مورد بحث قرار داده است. بنگرید به: طاهری،

جمهوری اسلامی را آماج حمله قرار داده است. چرایی پیدایش حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی، شناخت گونه‌ها و مصادیق، تجزیه و تحلیل اقدامات تروریستی گروه‌ها و دولت‌های تروریست مخالف جمهوری اسلامی و شاخصه‌های آنها، از اهداف اصلی این نوشتار است. مقاله از یک جهت در دو بخش تحلیل می‌گردد: بخش نخست، علل پیدایش حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی را در چهار عامل خلاصه و مطرح کرده است: ۱. انقلاب اسلامی و استقرار نظام اسلامی؛ ۲. تقابل فرهنگی و تمدنی جمهوری اسلامی با امریکا و غرب، که در «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» در بخش‌های متعدد آن مورد توجه قرار گرفته است؛^۱ ۳. اسلام‌هراسی؛ ۴. ایران‌هراسی.

بخش دوم، گونه‌شناسی حرکت‌های تروریستی ضد جمهوری اسلامی را در دو سطح، یعنی صورت‌بندی تروریسم بر مبنای انگیزه‌ی ترور و صورت‌بندی تروریسم از حیث عاملان و مجریان ترور مورد بحث قرار داده است.

الف. بررسی مفهوم «ترور» و «تروریسم»

واژه‌ی ترور (terror) از ریشه‌ی لاتین ترس^۲؛ به معنای ترساندن و ترس و وحشت آمده است. واژه‌های «تروریسم» (terrorism) و «تروریست» (terrorist) به نسبت واژه‌های نوپا هستند (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹). بدینسان «تروریسم» واژه‌ی فرانسوی و به معنای آدم‌کشی به طور غافلگیرانه و ایجاد رعب و وحشت به منظور دستیابی به قدرت یا حفظ آن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۴؛ ۵۸۴۹ و عمید، ۱۳۶۳: ۳۹۲). هر اقدام تروریستی دست کم دارای چهار مشخصه است: ۱. همراه با خشونت فیزیکی برای ترس و ارباب است؛ ۲.

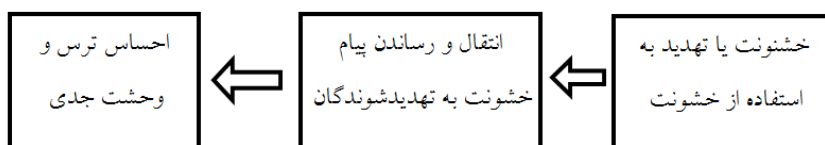
۱. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب بر این مفاهیم بنیادین و محوری تأکید و تمرکز کرده است: «تمدن‌سازی»، تقابل دوگانه‌ی «اسلام و استکبار» - که منظور از استکبار، بیشتر امریکا و دولت‌های غربی هم‌پیمان امریکا است -، «علم و فناوری»، «عدالت و مبارزه با فساد»، «معنویت و اخلاق»، «استقلال و آزادی»، «عزت ملی و مرزبندی با دشمن»، «علم و پژوهش»، «اقتصاد» و «سبک زندگی»، که سبک زندگی اسلامی منظور است (بنگرید به: بیانیه‌ی گام دوم انقلاب).

غیرمنتظره صورت می‌گیرد؛ ۳. دارای انگیزه‌ی سیاسی است؛ ۴. در فضایی خارج از جنگ رسمی بین دو گروه متخصص روی می‌دهد (علی بابایی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۴).

بدین ترتیب عمل ترور، به کارهای جنایی ضد کشور به منظور ایجاد هراس در مردم یا در اصناف و طبقات ویژه یا در عموم خلق (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ج ۲: ۱۲۰۱) گفته می‌شود. ظاهراً فرقی بین دو واژه‌ی ترور و تروریسم نیست، مگر به جهت اینکه تروریسم حالت سازمان‌دهی شده، مکتب‌شده و روشمندشده‌ی عمل ترور است (فیض الهی، ۱۳۸۸: ۲۶).

بنابراین، اگر به مجموعه اقداماتی نگاهی داشته باشیم که امروزه تحت عنوان «تروریسم» مطرح است، به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌توان هیچ تعریفی از تروریسم به دست داد که همه‌ی انواع و مدل‌های مختلف این پدیده را دربرگیرد، گو اینکه در تاریخ، همواره، ظهور و بروز داشته است؛ از این رو، باید به تعریفی از تروریسم بسنده کنیم که معرف جنبش‌ها، سازمان‌ها و گروه‌هایی برشمرده می‌شود که استراتژی و تاکتیک رسمی سیاسی و عملی‌شان ارباب و خشونت سیستماتیک^۱ است؛ گروه‌هایی که حربه‌ی اصلی‌شان ارباب، خشونت و ایجاد وحشت در جامعه است. دانشنامه‌ی بریتانیکا تروریسم را به معنای «کاربرد سیستماتیک ارباب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها، مردمان یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی» (طیب، ۱۳۸۲: ۲۱) می‌داند؛ از این رو، خشونت نظام‌مند و داشتن هدف و انگیزه‌ی سیاسی، دو عنصر محوری در تعریف تروریسم جدید است.

در نمودار ساده‌ای می‌توان هر اقدام تروریستی را به این شکل و در سه مرحله نشان داد:



قربانیان احتمالی تروریسم عبارت‌اند از: مسئولان حکومتی و دولتی، سران احزاب و جریان‌های سیاسی و دیگر قشرهای جامعه که آماج اقدامات تروریستی قرار می‌گیرند.

ب. علل پیدایش حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی

بخش اول این نوشتار، متکفل بررسی علل و چرایی پیدایش حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی ایران است. به سخن دیگر، چرا و به چه دلیل جمهوری اسلامی با این حجم گسترده، آماج اقدامات تروریستی گروه‌ها، سازمان‌ها و حتی دولت‌های تروریستی قرار گرفته است. چرا دولت امریکا و برخی از هم‌پیمانان آن از گروه‌های تروریست مخالف جمهوری اسلامی حمایت می‌کند؟ چرا ایالات متحده، مستقیم و غیرمستقیم، در نقش تروریسم دولتی بر ضد جمهوری اسلامی ظاهر شده، مدام به اقدامات تروریستی - که به آنها اشاره خواهیم کرد - توسل می‌جوید؟ دلایل و عوامل زیادی وجود دارد که از حوصله‌ای این نوشتار خارج است. در این بخش تنها به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی

بی‌تردید، از مهم‌ترین انگیزه‌های اقدامات تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی، استقرار نظام اسلامی و حاکمیت دین و گفتمان «اسلام ناب محمدی (ﷺ)» به مثابه گفتمان محوری جمهوری اسلامی است که بنیان‌گذار فقید جمهوری اسلامی، امام خمینی (قدس سره) مطرح کردند. اقتدار دینی مبتنی بر دین و شریعت اسلامی، که در تئوری «ولایت فقیه» بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ظهور و بروز یافته است، جریان‌ها و دولت‌های مخالف و معاند جمهوری اسلامی را به جبهه‌گیری و مخالفت وادار کرده است. براساس این، ریشه‌ی بسیاری از حرکت‌های تروریستی سازمان‌های تروریست مخالف جمهوری اسلامی را باید در سیطره‌ی حاکمیت دین بر ملت ایران دانست. ملت ایران آگاهانه و شجاعانه انقلاب کرد و با اراده و اختیار و با اکثریت آرا، نظام سیاسی دینی، یعنی جمهوری اسلامی را پذیرفت؛ بنابراین، از عمده دلایل اقدامات

تروریستی گروه‌ها و دولت‌های تروریستی مخالف نظام اسلامی، پذیرش نوع حکومت دینی یا «جمهوری اسلامی» و دین‌مداری مردم ایران است.

انقلاب اسلامی کنش عقلانی - سیاسی ملت مسلمان ایران بود که واکنش و مخالفت برخی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه و دو بلوک قدرتمند شرق و غرب شامل ایالات متحده را به همراه داشت. انقلاب اسلامی، که انقلاب دینی و غیرتجددی ملت مسلمان ایران در اوایل دوره‌ی پساتجدد بود، نگرش امریکا و کشورهای غربی تحت سیطره‌ی لیبرال دموکراسی سکولار غرب و برخی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه را به ایران، دچار تغییرات بنیادین ساخت. در این زمینه کافی است به دیدگاه نویسنده‌ی کتاب امریکا و اسلام سیاسی نگاهی داشته باشیم که می‌گوید: «امریکایی‌ها، که عادت داشتند کشورشان را دموکراتیک‌ترین و سخاوتمندترین کشور دنیا تلقی کنند، از اینکه می‌شنیدند آیت‌الله خمینی آن را «شیطان بزرگ» می‌نامد، بهت‌زده شدند» (جرجیس، ۱۳۸۲: ۸۸). موضوع گروگان‌گیری از لانه‌ی جاسوسی امریکا در اوائل انقلاب و عصر امام خمینی (قدس سره)، از دیگر دلایل خشم دولت امریکا از جمهوری اسلامی است. در جای دیگری همین کتاب آمده است: «حکومت ایران در عصر امام خمینی [قدس سره]، با در اختیار داشتن ۵۲ گروگان امریکایی به مدت ۴۴۴ روز، ایالات متحده را روزانه تحقیر کرد و این امر موجب تشدید دشمنی، احساس ضعف عمیق و ناخوشایند ایالات متحده شد. سرانجام، ایران به نگرانی و دغدغه‌ی ملی تبدیل شد» (جرجیس، همان).

بدین ترتیب گفتمان انقلاب اسلامی، که برابند اسلام سیاسی با رهیافت شیعی است، برای نخستین بار هژمونی ایالات متحده را در جهان به چالش گرفت. سقوط دولت شاه، که نقش ژاندارم امریکا را در خلیج فارس ایفا می‌کرد، برای دولتمردان امریکایی باورناپذیر بود؛ از این رو، سقوط شاه بنا به گفته‌ی برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر، از نظر راهبردی برای ایالات متحده و از نظر سیاسی برای کارتر فاجعه‌آمیز بود (جرجیس، همان: ۱۲۱). برای خشم ایالات متحده از جمهوری اسلامی و حمایت این

کشور از گروه‌های رادیکال و تروریست مخالف جمهوری اسلامی همین دلیل کافی است. افزون بر این، رهبران انقلاب اسلامی با ارائه‌ی نظام سیاسی اسلامی، یعنی جمهوری اسلامی (مردم‌سالاری دینی)، در قالب نظم سیاسی جدید جایگزین رژیم سلطنتی و رقیب لیبرال دموکراسی، گفتمان جدیدی مطرح کردند که این گفتمان، گفتمان لیبرال دموکراسی حاکم بر جهان غرب مدرن را به چالش گرفت و اسلام سیاسی طرفدار «سیاست دینی» را، که در تضاد با سکولاریسم غربی است، مطرح کرده، به قدرت رساند. مدل مورد نظر جمهوری اسلامی در باب حکومت و نظم سیاسی، نظریه‌ی «ولایت فقیه» و «مردم‌سالاری دینی» است که نظریه‌پرداز برجسته‌ی آن در نیمه‌ی دوم سده بیستم، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است. نظریه‌ی «ولایت فقیه» در گفتمان سیاسی شیعه، مبانی تئوریک و ارزش‌هایی بنیادین لیبرال دموکراسی، به ویژه مشروعیت صرفاً مردمی ناشی از رأی اکثریت را به پرسش می‌گیرد.

۲. تقابل فرهنگی و تمدنی جمهوری اسلامی با امریکا و غرب

از عوامل مهم دیگر این مسئله، تقابل فرهنگی جمهوری اسلامی به مثابه نماینده اسلام شیعی و انقلابی با امریکا و دیگر کشورهای غربی متحد ایالات متحده است که این موضوع، شکاف عمیق فرهنگی و به عبارتی، رویارویی فرهنگی - تمدنی اسلام و غرب را در پی دارد. طرح نظریه‌ی «برخورد تمدن‌ها»^۱ی ساموئل هانتینگتون، اندیشمند سیاسی امریکایی (۱۹۹۳)، در برابر نظریه‌ی «پایان تاریخ و آخرین انسان» (۱۹۹۲) فرانسویس فوکویاما، فیلسوف و نظریه‌پرداز سیاسی ژاپنی - امریکایی، در همین زمینه توجیه می‌شود.^۱ مطابق تئوری هانتینگتون، پس از پایان جنگ سرد

۱. برای شناخت و تحلیل وضعیت جهان پس از جنگ سرد یا آنچه «نظم نوین جهانی» خوانده می‌شود، در غرب دو نظریه‌ی عمده: یکی، خوش‌بینانه و دیگری، هشداردهنده ارائه شده است. نظریه‌ی نخست به پیروزی غرب در جنگ سرد معتقد است و «پایان تاریخ» و ختم تضادهای ایدئولوژیک و تفوق لیبرال دموکراسی غربی در سراسر کره‌ی خاکی را نوید می‌دهد. نظریه‌ی دوم ولی روزه‌های شادمانی غرب را زودگذر می‌بیند و درباره‌ی خطر دشمنی موهوم در قالب برخورد و رویارویی دو تمدن اسلام و غرب هشدار می‌دهد. نظریه‌ی خوش‌بینانه‌ی «پایان تاریخ» را فرانسویس فوکویاما مطرح کرده است و نظریه‌ی هشداردهنده‌ی «برخورد تمدن‌ها» را ساموئل هانتینگتون، استاد علوم سیاسی

دوره‌ی نظم نوین جهانی)، فرهنگ و هویت دینی / مذهبی سرچشمه‌ی همه‌ی درگیری‌ها خواهد بود. هانتینگتون بر نقش محوری فرهنگ تأکید کرده، می‌نویسد: «فرضیه‌ی من این است که اصولاً نقطه‌ی اصلی برخورد در این جهان نو، نه رنگ ایدئولوژیکی دارد و نه بوی اقتصادی؛ شکاف‌های عمیق میان افراد بشر و به اصطلاح "نقطه‌ی جوش" برخوردها دارای ماهیت فرهنگی خواهد بود و بس» (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۴۵).

در نظریه‌ی برخورد تمدن‌های هانتینگتون، رویارویی اصلی بین دو تمدن اسلام و غرب است که تمدن اسلامی جنبه‌ی مذهبی قوی دارد و تمدن غرب از چنین ویژگی-ای برخوردار نیست و ماهیت سکولار دارد؛ بنابراین، دلیل برخورد این دو تمدن، در هویت دینی / مذهبی فرهنگ و تمدن اسلامی و ماهیت ماتریالیستی و سکولاریستی فرهنگ و تمدن غربی تفسیر و تصویر شده است، چون اندیشه‌ی اسلامی در مسئله‌ی نسبت دین و فرهنگ، نقش برتر و بنیادی‌تر را به دین می‌دهد و دین را منشأ فرهنگ می‌داند و معتقد است که لایه‌های درونی و ذاتی فرهنگ، برگرفته از دین است و منشأ الهی دارد (بنگرید به: زکی، ۱۴۰۱: ۱۶۰)؛ بنابراین، اگر دین منشأ و بنیاد فرهنگ و تمدن است و جوهر آن را تشکیل می‌دهد، تقابل و ناسازگاری فرهنگ دینی با فرهنگ غیردینی، به ویژه در عرصه‌ی حکومت و سیاست‌ورزی، دور از انتظار نیست. براساس این، بی‌جهت نیست که هانتینگتون در دوره‌ی پساجنگ سرد، یعنی در دوره‌ی نظم نوین جهانی از برخورد تمدن‌ها و به ویژه از برخورد دو تمدن اسلام و غرب سخن گفته است؛ بنابراین، فرهنگ اسلامی در مسئله‌ی حکومت و نظام سیاسی، سیاست دینی مبتنی بر عقلانیت دینی / اسلامی را دنبال می‌کند، ولی فرهنگ غرب سکولار-لیبرال، در پی سیاست سکولار مبتنی بر عقلانیت خودبنیاد و سکولاریستی است.

نگرش جمهوری اسلامی در موضوع سیاست و حکومت، جهان‌بینی خدامحور امام خمینی (قدس سره) در برابر جهان‌بینی دنیامحور و سکولار غربی است. براساس این، تضاد نظام اسلامی ایران پساانقلاب با دولت ایالات متحده تنها در جهت منافع ملی دو کشور نبوده، بلکه ناشی از رویارویی و تضاد فرهنگی و جهان‌بینی الهی و ماتریالیستی حاکم بر دو کشور است، بنابراین، تقابل جمهوری اسلامی و ایالات متحده تنها بر سر منافع ملی و مسائل اقتصادی نیست، بلکه از تقابل دو فرهنگ و دو جهان‌بینی گوناگون نشئت می‌گیرد که هر کدام مسیر خود را می‌پیمایند. جمهوری اسلامی خود را متکی بر فرهنگ دینی برخاسته از دین مبین اسلام می‌داند و دولت امریکا بر فرهنگ سکولار لیبرال غیردینی پای می‌فشارد. چون فرهنگ سکولار غرب مدرن در رقابت فرهنگی و تمدنی با فرهنگ و تمدن دینی و اسلامی در تضاد و چالش قرار دارد، گفتمان «اسلام‌هراسی»^۱ را ترویج می‌کند. امریکا، اسرائیل و برخی از دول اروپایی هم‌پیمان با امریکا با طرح «اسلام‌هراسی» به شکل غیرمنصفانه برخورد نموده، رقیب ایدئولوژیک خود را به خشونت، تروریسم و نقض حقوق بشر متهم می‌کنند. طرح گفتمان اسلام‌هراسی برای این است که اولاً اذهان عامه‌ی مردم مغرب‌زمین را از گرایش و نزدیکی به اسلام بازدارند؛ ثانیاً تندروان، افراد شرور و تروریست‌های خود را به سمت کشورهای اسلامی ترغیب می‌نمایند؛ از این رو، امریکا و متحدانش در برابر اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی، راهبرد اسلام‌هراسی را مطرح می‌کند.

۳. اسلام‌هراسی: مقابله با گفتمان اسلام سیاسی

«اسلام‌هراسی»، امروزه، از دیگر عوامل مهم خشونت و اقدام تروریستی تروریسم دولتی بر ضد ایران پس از انقلاب و جمهوری اسلامی است، زیرا انقلاب اسلامی

۱ «اسلام‌هراسی» به معنای ترس مفرط از اسلام سیاسی است که بیشتر اوقات ایالات متحده، برخی از دولت‌های اروپایی هم‌پیمان با امریکا و صهیونیسم بین‌الملل القا می‌کنند. در این رویکرد، اسلام سیاسی، طرفدار خشونت، کشتار، تروریسم، بنیادگرایی، ناقض حقوق بشر و مخالف آزادی، دموکراسی و ارزش‌های دنیای مدرن تلقی می‌شود.

مظهر «اسلام سیاسی»^۱ و مدافع «سیاست دینی» به معنای حقیقی کلمه است. پروژه‌ی اسلام‌هراسی را معمولاً دولت امریکا و دیگر هم‌پیمانان غربی‌اش ترویج می‌نمایند، چون تلقی آنان از اسلام، به ویژه «اسلام سیاسی»، هراس و وحشت است. به تعبیر یکی از نویسندگان، «هسته‌ی اصلی برداشت‌های ایالات متحده از اسلام، هراس، حیرت و نگرانی عمیق درباره‌ی آمیزش دین و سیاست است» (همان: ۲۸). به نظر می‌رسد ترکیب و پیوند دین و سیاست، که گفتمان «سیاست دینی» را رقم می‌زند، جنبه‌های اساسی سنت لیبرالی حاکم بر جامعه‌ی ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی تحت سلطه‌ی لیبرال دموکراسی سکولار را به چالش می‌گیرد. در جامعه‌ی سکولار - لیبرال غربی، معمولاً بر جدایی دین از سیاست، یا کلیسا از دولت/ قدرت تأکید می‌شود. در نگرش حاکمیت سکولار، مذهب تنها نظام باورهای شخصی و نه شیوه‌ی کلی زندگی است. طرفداران این نگرش معتقدند پدیده‌ی اسلام‌گرایی، که مروج سیاست دینی است و می‌کوشد شکل سنتی حاکمیت دارای قلمرو فراگیر را از نو تأسیس کند، ناهنجار است که با هنجارهای پذیرفته‌شده‌ی دنیای مدرن مغایرت دارد. در این فرض، اسلام به پدیده‌ی درک‌ناپذیر و تهدیدکننده تبدیل می‌شود (همان).

۴. ایران‌هراسی: مقابله با گفتمان جمهوری اسلامی

«ایران‌هراسی»^۲ را می‌توان از عوامل دیگری حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی دانست. ایران‌هراسی، استراتژی دیگری دولت‌های امریکا، اسرائیل

۱ جمهوری اسلامی مظهر اسلام سیاسی است، زیرا توانسته است اسلام سیاسی را در عمل به حکومت برساند؛ به سخن دیگر، ترکیب و پیوند «دین و سیاست» یا «سیاست دینی»، که گفتمان اسلام سیاسی را تشکیل می‌دهد، تنها در جمهوری اسلامی پژوهشگر شده است. گروه‌های دیگری نیز در جهان اسلام از نظریه‌ی اسلام سیاسی سخن گفته‌اند، ولی در عملیاتی‌سازی و حاکمیت آن در میدان عمل توفیقی نداشته‌اند. براساس این، معنای دیگری اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی است، یعنی هراس از اسلام‌سیاسی با رهیافت شیعی، که امریکا و صهیونیسم از آن سخن می‌گویند.

۲ «ایران‌هراسی» در معنای ترس مفرط و غیرعقلانی از ایران، به ویژه با بزرگ‌نمایی تهدید ایران هسته‌ای، کاربرد دارد. بنگرید به: (ایزدی، فؤاد، مهربانی‌فر، حسین، چابکی، رامین، متین جاوید، مهدی، ۱۳۹۲: ۷۲).

و دیگر متحدان اروپایی آنها در خاورمیانه است که با هدف منزوی کردن جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد؛ بنابراین، «ایران‌هراسی» پروژه‌ای راهبردی است که براساس آن، ایران تهدیدی بزرگ در منطقه و همچنین تهدیدی برای صلح و امنیت جهانی مطرح و متغیری مزاحم و بازیگر اخلاط‌آفرین در نظام بین‌الملل به تصویر کشیده می‌شود. این رویکرد را ایالات متحده‌ی آمریکا و صهیونیسم بین‌الملل، با هدف به حاشیه‌راندن جمهوری اسلامی ایران دنبال می‌کنند (کیاکجوری، ۱۳۹: ۵۱).

محورهای ایران‌هراسی و جنگ روانی رسانه‌های غربی بر ضد ایران را به طور کلی می‌توان در هفت محور خلاصه کرد که عبارت‌اند از: ۱. القای دسترسی ایران به سلاح‌های هسته‌ای؛ ۲. حمایت ایران از تروریسم؛ ۳. نقض حقوق بشر در ایران؛ ۴. القای تهاجمی بودن فناوری‌های دفاعی ایران؛ ۵. دخالت جمهوری اسلامی ایران در امور کشورها؛ ۶. اسلامی بودن نظام سیاسی در ایران؛ ۷. القای مخالفت ایران با صلح و ثبات منطقه‌ای (سراج، ۱۳۸۸: ۷۴).

چنانکه ملاحظه می‌شود، یکی از محورهای پروژه‌ی ایران‌هراسی، «اسلامی بودن نظام سیاسی ایران» بیان شده است؛ به تعبیر دیگر، جمهوری اسلامی ایران اگر هیچ مشکلی دیگری برای آمریکا نداشته باشد جز همین «اسلامی بودن نظام سیاسی»، در خصومت و سیاست «ایران‌هراسی» دولت آمریکا کفایت می‌کند. بدینسان، ایالات متحده با استراتژی «ایران‌هراسی»، گروه‌های تروریست مخالف و دشمن جمهوری اسلامی را تجهیز و حمایت می‌کند.

ج. گونه‌شناسی تروریسم بر مبنای انگیزه‌ی ترور

گونه‌شناسی / تیپولوژی^۱ یا صورت‌بندی تروریسم، موضوع عامی است که بررسی همه‌ی مصادیق و موارد آن در این جستار نمی‌گنجد و نیازمند تحقیق مفصل‌تر است؛ از این رو، به اجمال تنها به برخی از گونه‌های مهم آن اشاره می‌کنیم که بیشتر بر ضد

جمهوری اسلامی اجرا و عملیاتی شده است. تروریسم را می‌توان به معیارهای متعدد تقسیم کرد، همان گونه که پژوهشگران این حوزه با معیارهای گوناگون، به گونه‌شناسی و صورت‌بندی آن پرداخته‌اند. با این حال، تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی مورد نظر نگارنده بیشتر بر مبنای «انگیزه‌ی ترور» و «عامل ترور» متمرکز است. بدیهی است مبنای تقسیم‌بندی تروریسم منحصر در این دو مبنای معیار نیست و معیارهای دیگری را نیز می‌توان شناسایی و مورد استفاده و تحلیل قرار داد، ولی به نظر می‌رسد دو مبنای «انگیزه» و «عامل» ترور، از مهم‌ترین مبانی گونه‌شناسی تروریسم است که می‌توان بسیاری از گونه‌ها و مصادیق تروریسم را تحت عنوان این دو مبنای کلیدی تقسیم‌بندی کرد. با این توضیح، به تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی تروریسم می‌پردازیم؛ برخی از نویسندگان، تروریسم را به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرده‌اند: تروریسم غیرسیاسی و تروریسم سیاسی.

۱- تروریسم غیرسیاسی

تروریسم غیرسیاسی به نوبه‌ی خود شامل دو نوع عمده از تروریسم است:

۱-۱. تروریسم روانی

منشأ تروریسم روانی، اختلالات روانی است. در تروریسم روانی، معمولاً «شخصیت»^۱ افراد هدف و نشانه قرار می‌گیرد. «ترور شخصیت یا ترور روانی، یعنی ترساندن و تهدید افراد از طریق هدف قرار دادن روحیه، حس شهادت و اعتبار آنهاست.» (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۶۷۷). بدینسان، تروریسم روانی در برابر تروریسم فیزیکی قرار می‌گیرد که روان و شخصیت انسان را هدف قرار می‌دهد، در برابر ترور فیزیکی، که موضوعش جسم و بدن انسان است.

برخی معتقدند ترورگران روان/ شخصیت به دلیل بی‌توجهی افراطی اطرافیان (اعم از خانواده یا اجتماع)، نیاز شدید به محبت و توجه دیگران به خود دارند. براساس

این، به هر کاری دست می‌زنند تا توجه اطرافیان‌شان را به خود جلب کنند. بدین منظور، اگر با کارهای عادی و مسالمت‌آمیز موفق به جلب توجه دیگران نشوند، به کارهای خطرناک و قهرآمیز، که بیشتر با قتل و خونریزی همراه است، روی خواهند آورد. این تروریست‌ها در بیشتر اوقات مشوش‌اند و هیچ گونه ایده‌ی مشخصی از اهداف سیاسی ندارند. آنها معمولاً به طور تصادفی قربانیان خود را برمی‌گزینند. اعمال آنها بیشتر ناپایدار، غیرسیستماتیک و خود به خودی است (ناجی‌راد، ۱۳۸۷: ۶۵). به نظر می‌رسد این تلقی، تمام و کامل نیست، زیرا تروریست‌های روان هم گاهی ایده‌ی مشخص و اهداف سیاسی دارند. دست کم برخی از مصادیق تروریسم روانی را می‌توان یافت که به دلایل و اغراض سیاسی تحقق پیدا کرده است.

۱-۲. تروریسم جنایی

تروریسم جنایی، یعنی تروریسم تبهکارانه و جنایتکارانه‌ی افراد شرور، که به دنبال تأمین منافع شخصی خودشان‌اند. در این نوع از تروریسم، افراد و گروه‌هایی مانند سارقان و تبهکاران مسلح و باندهای مافیایی مواد مخدر و تجارت اسلحه و... جای می‌گیرند که با هدف دستیابی به منافع مادی، شخصی و بانندی دست به جنایت‌های برنامه‌ریزی‌شده می‌زنند. جنایاتی مانند اخاذی، آدم‌ربایی، سوءقصدهای سازمان‌دهی‌شده، قتل‌ها و کشتارهای هدفمند در میان عاملین این گونه تروریسم مرسوم است (ناجی‌راد، همان: ۶۷).

۱-۳. تحلیل و بررسی

به نظر می‌رسد این گونه تقسیم خالی از اشکال نیست. زیرا اولاً تعریف تروریسم روانی آن گونه که اشاره شد، جامع نیست. بسیاری از افراد که ظاهراً از نظر روانی بیمار هم نیستند، برای حذف و شکست حریف سیاسی، رقبای خود را از طریق ترور شخصیت از صحنه خارج می‌کنند، مگر اینکه آنها را بیماران اخلاقی بنامیم که از نظر اخلاقی مریض و به تعبیر دیگر، فاقد سلامت اخلاقی هستند. ثانیاً همان‌گونه که اشاره شد، یکی از عناصر و شاخصه‌های اصلی مفهوم تروریسم، سیاسی بودن آن است. به

سخن دقیق‌تر، «خشونت سیاسی»^۱ از اجزای مفهومی و سازنده‌ی تروریسم است که نباید مورد غفلت واقع شود.

افزون بر این، در تروریسم روانی نیز مصادیقی را می‌توان یافت که عنصر سیاست در آن دخالت دارد. امروزه، چه بسا افراد و اشخاصی با هدف و انگیزه‌ی سیاسی، هدف ترور روانی و شخصیتی قرار می‌گیرند. می‌توان مصادیق فراوانی را برای این گونه ترور برشمرد. نمونه‌ی بارز آن را در رقابت‌های انتخاباتی دولت‌ها و کشورهای مختلف (مانند انتخابات ریاست جمهوری و پارلمان)، به وضوح می‌بینیم. در ایام انتخابات، برخی از نامزدهای پست ریاست جمهوری یا مجلس به دست رقبای حزبی یا سازمان‌ها و گروه‌های رقیب، قربانی تروریسم روانی می‌شوند و به اوصاف و اتهامات مختلفی مانند ثروت‌اندوزی، اختلاس، بنیادگرا، رادیکال و...، متهم می‌گردند. برخی از رهبران و مسئولان جمهوری اسلامی، همواره، مورد آماج تروریسم روانی قرار گرفته‌اند. بسیاری از مسئولان و رهبران انقلاب، که قربانی تروریسم فرقان و منافقین شدند یا در لیست ترور این گروه‌ها قرار داشتند، به اتهام (صاحبان زر و زور و تزویر و ارتجاع و...)، نخست ترور روانی / شخصیتی و پس از آن مورد ترور فیزیکی واقع شدند.^۲

نمونه‌ی دیگر، ترور شخصیت‌های علمی و سیاسی آزاده‌ی جهان و روشن‌فکران اصیل و آزادی‌خواه است که گاهی ترور شخصیتی می‌شوند. از آن جایی که این اشخاص در تبیین حقایق و نظریات علمی یا سیاسی، مستقل و آزادانه می‌اندیشند و

1Political violence

۲ برای آشنایی با تروریسم فرقان و سازمان منافقین، به منابع ذیل مراجعه شود: الف. محمدحسن روزی‌طلب، ترکیب التقاط و ترور (بررسی عملکرد و اسناد گروه فرقان)، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ب. علی کردی، گروه فرقان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی؛ ج. کتاب ارزشمند سه جلدی سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام (۱۳۴۴-۱۳۸۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، که ترورها و عملکردهای چهل ساله‌ی سازمان منافقین خلق را به خوبی به تصویر کشیده است.

ابراز عقیده می‌کنند، این مواضع ممکن است خوشایند برخی از دولت‌ها و گروه‌ها نباشد؛ از این رو، این گونه اشخاص، قربانی ترور روانی و شخصیتی می‌شوند. برخی از نویسندگان، از ترور روانی به «ترور سرد» در برابر «ترور سرخ» (ترور فیزیکی) تعبیر کرده‌اند. چون در ترور سرد، هدف، نابودی فیزیکی حریف نیست، بلکه بدنام کردن وی برای جلوگیری از اقداماتش است. بدین معنا، هدف، نابود کردن روحیه، حس شهادت و اعتبار اوست. بدین ترتیب، همان گونه که اشاره شد، در این نوع ترور، هم اهدافی سیاسی وجود دارد و هم اهداف غیرسیاسی (حمزه‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۴)؛ از این رو، عنصر سیاست در تروریسم روانی به روشنی دیده می‌شود.

در تروریسم جنایی نیز رگه‌هایی از عنصر سیاست را هر چند ضعیف می‌توان پیدا کرد، یعنی ممکن است در ترور جنایی نیز شاخصه‌ی سیاسی بودن راه یابد؛ برای نمونه، آدم‌ربایی و گروگان‌گیری گاهی با اهداف کاملاً سیاسی صورت می‌گیرد. ترورهای گروه ریگی موسوم به جندالله (سربازان خدا)، که بیشتر جنایی بود و جنبه‌ی قوی محاربی و راهزنی و قطاع‌الطریقی نیز داشت، از خصلت کاملاً سیاسی بهره می‌برد و انگیزه‌ی اصلی آنها از گروگان‌گیری، راهزنی و اقدامات تروریستی‌شان، احقاق حق مردم بلوچ و مبارزه با جمهوری اسلامی اعلام شده است (بنگرید به: کیخا، ۱۳۹۰: ۸۱-۹۰)؛ بنابراین، دو ویژگی جنایی و سیاسی بودن در تروریسم مذهبی و ناسیونالیستی گروه ریگی تفکیک‌ناپذیرند؛ بنابراین، شاخصه‌ی سیاسی بودن را در این دو نوع تروریسم می‌توان به وضوح دید. به همین جهت، برخی از نویسندگان، تروریسم جنایی را نیز تحت عنوان تروریسم سیاسی مطرح کرده‌اند. اصولاً بسیاری معتقدند واژه‌ی «ترور» و «تروریسم» واژه و اصطلاح کاملاً سیاسی است و اطلاق کلمه‌ی «ترور» به حوادثی که با اهداف غیرسیاسی رخ می‌دهد، نادرست است (حمزه‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۳)؛ بنابراین، تقسیم تروریسم به سیاسی و غیرسیاسی، خالی از اشکال نیست، مگر اینکه ترور را به معنای هر نوع قتل و خشونت تعمیم دهیم، ولی ما معتقدیم شاخصه‌ی سیاسی بودن را نمی‌توان از

پدیده‌ی تروریسم تفکیک کرد؛ از این رو، به نظر نگارنده، صورت‌بندی تروریسم به سیاسی و غیرسیاسی خالی از اشکال نیست.

۲- تروریسم سیاسی

تروریسم سیاسی^۱ خود انواع و گونه‌های متعددی دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۲-۱. تروریسم ناسیونالیستی و ملی‌گرا

یکی از گونه‌های تروریسم سیاسی، که بر ضد جمهوری اسلامی حرکت‌های تروریستی انجام داده است، تروریسم ناسیونالیستی است. متهمان معروف تروریسم ناسیونالیستی و ملی‌گرا و به تعبیر دقیق‌تر، تروریسم قومی، گروه‌های تروریستی تجزیه‌طلب جندالله در شرق (سیستان و بلوچستان)، پژاک در غرب ایران (آذربایجان غربی، کرمانشاه و کردستان) است،^۲ کومله (حزب کردستان ایران) و الاحوازیه (حرکه‌النضال العربی لتحریر الاحواز) است. تروریسم گروه جندالله (ریگی)، هویت قومی - مذهبی دارد و یکی از اهداف اقدامات تروریستی این گروه تروریستی، دفاع از قوم بلوچ و اهل سنت زاهدان اعلام شده است. پژاک نیز که شاخه‌ی ایرانی پ.ک.ک. (حزب کارگران کردستان ترکیه) است، بر هویت قومی و گرایش‌های ناسیونالیستی تأکید می‌ورزد (مطلبی جونقانی، ۱۳۸۹: ۸۳-۹۷). جندالله، پژاک، کومله و الاحوازیه برخی از گروه‌های تروریستی مخالف جمهوری اسلامی است که در چهار دهه‌ی اخیر، حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی انجام داده است.

۲-۲. تروریسم آنارشیک و آشوب‌طلبانه

1 Political terrorism

۲ پژاک (pjak) مخفف (partiya jiyana Azad a kurdistane) (حزب حیات آزاد کردستان) در سال ۲۰۰۴م به دست عبدالرحمن حاجی احمدی تأسیس شد. شعار اصلی گروه پژاک، «مبارزه برای احقاق حقوق ملت کرد ایران» است. پژاک گروه ناسیونالیست چپ‌گراست که خود را دارای ایدئولوژی مارکسیستی کمونیستی می‌داند و هدفش ایجاد کردستان مستقل (کردستان بزرگ) اعلام شده است و تحت هدایت ورهبری حزب پ.ک.ک. (عبدالله اوجالان) فعالیت می‌کند. (بنگرید به: ویکی‌پدیا، دانشنامه‌ی آزاد)

مصادق بارز تروریسم آنارشیستیک، فرقان و گروه‌هایی هستند که گرایش‌های افراطی و انحرافی در خصوص امام عصر (عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف) دارند (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۳۹). همچنین گروه ریگی، پژاک و سازمان منافقین خلق برخی از گروه‌های تروریستی هستند که به تروریسم آنارشیستیک دست زده‌اند، با این فرق که تروریسم سازمان منافقین، صفت «براندازی» را نیز با خود دارد، یعنی تروریسم منافقین خلق، نظام برانداز است و به کمتر از سقوط جمهوری اسلامی راضی نمی‌شود.

۲-۳. نارکو تروریسم

نارکو تروریسم،^۱ یکی از گونه‌های تروریسم سیاسی به شمار می‌رود که به فعالیت‌ها و اقدامات تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی متهم است. قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر، امروزه، با سازمان‌های تروریستی همکار و هم‌پیمان شده‌اند. ترانزیت حجم بالای مواد مخدر از مرزهای کشور و تهدید نیروهای انتظامی در صورت همکاری نکردن به مرگ و ایجاد شرارت در مرزهای شرقی کشور، جزو دلایل نارکو تروریسم بر ضد جمهوری اسلامی است.

۲-۴. تروریسم تحت حمایت دولت‌ها

بیشتر گروه‌های تروریستی داخل و خارج کشور، که به حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی دست زده‌اند، تروریسم تحت حمایت دولت‌ها و حکومت‌ها هستند. سازمان تروریستی منافقین، جندالله، پژاک، کومله و الاحوازیه نیز برخی از گروه‌های تروریستی داخلی تحت حمایت حکومت‌ها و قدرت‌های بیگانه است. القاعده و داعش نیز برخی از گروه‌هایی تروریستی خارج از کشورند که تحت حمایت

۱. Norco terrorism نارکو تروریسم، معرف دیدگاه برخی کارشناسان ضد تروریست است که طبق آن، میان سوداگران مواد مخدر و تروریست‌های سیاسی اتحاد وجود دارد؛ به تعبیر دیگر، تروریسمی که ترکیب خشونت‌آمیز تجارت غیرقانونی مواد مخدر و تهدید سیاسی را با هم جمع کرده، با تهدید سیاسی، به تجارت غیرقانونی مواد مخدر می‌پردازد.

دولت‌های بزرگ تروریستی قرار دارند. این گروه‌ها نیز به دشمنی با جمهوری اسلامی مشهورند و چند اقدام تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی انجام داده‌اند. حمله‌ی تروریستی به مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (قدس سره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ (۷ ژوئن ۲۰۱۷ میلادی) و حمله‌ی مسلحانه‌ی تروریستی در حرم شاه‌چراغ شیراز در ۴ آبان ۱۴۰۱، دو نمونه‌ی روشن از اقدامات تروریستی گروه تکفیری-تروریستی داعش در ایران است.

۲-۵. تروریسم سایبری و اطلاعاتی: سایبرتروریسم

سایبرتروریسم^۱ همان گونه که از عنوان و نام آن پیداست، نوعی از تروریسم است که در آن مؤلفه‌ای رایانه‌ای وجود دارد. آن گونه که گفته می‌شود، بری کالینز^۲ اصطلاح سایبرتروریسم را سکه زده است و آن را این گونه تعریف می‌کند: «سوءاستفاده عمدی از سیستم، شبکه یا مؤلفه‌ی اطلاعاتی رایانه‌ای برای تحقق هدفی که مؤید یا تسهیل‌کننده‌ی مبارزه یا اقدام تروریستی است» (فلمنینگ و استول، ۱۳۸۲: ۱۵۳). با این حال، دوروتی دنینگ^۳، از دیگر نویسندگان غربی، تعریف مفصل‌تری ارائه داده است. به اعتقاد دنینگ: «سایبرتروریسم عبارت است از تلاقی تروریسم و فضای رایانه‌ای. سایبرتروریسم عموماً به معنای حملات غیرقانونی بر ضد رایانه‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای و اطلاعات ذخیره‌شده در آنهاست که هدف از آن، ارباب یا اجبار دولت یا اتباع آن به منظور پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی است... این حملات باید منجر به اعمال خشونت بر ضد اشخاص یا دارایی‌ها شود یا دست کم موجب وارد آمدن آن اندازه‌ی آسیب به آنها گردد که ایجاد ترس نماید» (همان).

۱ Cyber terrorism سایبرتروریسم، یعنی تروریسمی که در فضای سایبر (مجازی و رایانه) کارایی دارد. تروریسم الکترونیک، حمله به سیستم‌ها یا شبکه‌های کامپیوتری به وسیله‌ی هک‌هایی است که برای گروه‌های تروریستی کار می‌کنند؛ برای نمونه، استفاده از ویروس‌های کامپیوتری مختل‌کننده و استراق اطلاعات حساس و طبقه‌بندی شده، یکی از اقدامات تروریست‌های فضای سایبر است.

2 Barry Collins

3 Dorothy Denning

در جهان مدرن، وابستگی عمیق و شدید جوامع پیشرفته در همه‌ی امور نظامی و دفاعی، بانکداری، تجارت، حمل و نقل ریلی، دریایی و هوایی، فعالیت‌های علمی و بخش بزرگی از معاملات دولتی و خصوصی به ذخیره‌سازی، بازیابی، تحلیل و انتقال اطلاعات، اصطلاح «تروریسم اطلاعاتی»^۱ را وارد قاموس گفتمان تروریسم نموده است. امروزه، صحبت از آن است که چه بسا گروه‌های تروریستی با وارد ساختن ویروس‌های کامپیوتری، بزرگ‌ترین شرکت‌ها و حتی نیرومندترین دولت‌ها را به زانو درآورند. به گفته‌ی والتر لاکور، از صاحب‌نظران تروریسم‌شناسی، امروزه، هر تروریست می‌تواند با ده میلیارد دلار سرمایه و به‌کارگیری بیست خرابکار کامپیوتری، که می‌توان آنان را تربیت کرد، می‌تواند ایالات متحده را به زانو درآورد (طیب، ۱۳۸۲: ۴۱-۴۲)؛ بنابراین، گروه‌های هکری که امروزه به مراکز علمی، نظامی، رسانه‌ی کشورها حمله می‌کنند، از مصادیق تروریسم سایبری یا سایبرتروریسم است که از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اینترنتی خرابکاری می‌نمایند.

۲-۶. تروریسم جنایی

تروریسم جنایی را معمولاً گروه‌های تبهکار و جنایت‌پیشه‌ای مرتکب می‌شوند که از تهدید و خشونت سیاسی برای مقاصد جنایتکارانه‌شان استفاده می‌کنند. یکی از مصادیق بارز تروریسم جنایی بر ضد جمهوری اسلامی، حرکت‌های تروریستی گروه‌هایی منافقین خلق، ریگی، الاحوازیه، کومله و داعش است. ترورهای کور منافقین، گروه ریگی، کومله و داعش، که قربانیان آن بیشتر مردم بی‌گناه و شهروندان عادی است، از مصادیق روشن تروریسم جنایی است، زیرا مردم بی‌گناه قربانی هدف حرکت تروریستی قرار می‌گیرند که در میان آنها زنان و کودکان است.

۲-۷. تروریسم فرقه‌ی - مذهبی: تروریسم مقدس

همان گونه که برخی از نویسندگان اشاره کرده‌اند، احیای فعالیت‌های تروریستی

برای حمایت از مقاصد و اهداف مذهبی، یکی از چشم‌گیرترین و غیرمنتظره‌ترین رخدادهای سال‌های اخیر به شمار می‌آید. در ادبیات دینی، این پدیده با عناوینی مانند تروریسم «مقدس» یا تروریسم «مذهبی» توجیه شده است (راپاپورت، ۱۳۸۱: ۲۱۳). تروریسم با پسوند مقدس و مذهبی، که در برابر تروریسم نامقدس و سکولار، یعنی تروریسم با پسوند ملی‌گرایی یا ضداستعماری به کار می‌رود، پدیده‌ای است که سابقه‌ی طولانی دارد و به گفته‌ی برخی از پژوهشگران، در همه‌ی ادیان و مذاهب دیده می‌شود. از بارزترین نمونه‌های این نوع تروریسم، می‌توان به تروریست‌های «سیک» در هندوستان، موعودباوران و تروریست‌های یهودی سرزمین‌های اشغالی (فلسطین) اشاره کرد که در قالب «طرح معبد حضرت سلیمان (علیه‌السلام)»، فعالیت‌های تروریستی خود را سازمان‌دهی می‌کردند و در واقع، توطئه‌ی برای تخریب زیارتگاه‌های مسلمانان بود. امروزه، عناصر تروریسم مذهبی در جهان فعال است. عوامل بمب‌گذاری در کلینیک‌های سقط جنین همواره به کتاب مقدس استناد می‌کنند. تا به حال، چندین گروه تروریستی با الهام از موعودباوری کتاب مقدس، اعلام موجودیت کرده‌اند. موارد مشهور این گروه‌ها عبارت‌اند از: میشاق (Convenant)، شمشیر (Sword) دست خدا (The Arm of Lord) و انجمن دینی (The order) (همان، ۲۱۳-۲۱۴). همچنین برخی از پژوهشگران مطالعات موضوع تروریسم، گروه‌های تروریستی یهودی سیکاری، هندوهای تاگ و اسماعیلیه نزاری (باطنی‌ها یا فدائیان اسماعیلیه) را از معروف‌ترین گروه‌های تروریستی مذهبی در گذشته، نام برده‌اند.^۱ امروزه، سازمان بزرگ تروریستی القاعده و شاخه‌های محلی و

۱ Scary یا قداره‌بندها، گروه تروریستی از فرقه‌ی متعصبان یهودی (Zealots) مخالف حاکمیت رومیان بر فلسطین بود که در قرن ششم پس از میلاد اقدام به ترور رومیان و مقامات یهودی موافق با حاکمیت امپراتوری روم نمودند. Thug's یا ارادل، سازمان مذهبی هندوست که به افتخار بت کالی، دست به دزدی و قتل می‌زدند. Assassin's باطنی‌ها یا حشاشین، پیروان حسن صباح و اعضای فرقه‌ی مذهبی سیاسی اسلامی به نام اسماعیلیه نزاری بود که از قرن یازدهم تا سیزدهم میلادی فعالیت می‌کردند و دشمنان خود را در قالب وظیفه‌ی

منطقه‌ای آن مانند داعش در عراق، سوریه، ایران و افغانستان، النصره در سوریه، بوکوحرام در افریقا و گروه‌های همفکر و هم‌پیمانان القاعده، از عمده‌ترین گروه‌های تروریستی مذهبی و مقدس در خاورمیانه‌ی اسلامی است. انگیزه و محرک اصلی این گروه‌های تروریستی، به صراحت، دفاع از اسلام و مبارزه با کافران و دشمنان اسلام اعلام شده است. بنیاد یا مبانی فکری همه‌ی جنبش‌های تروریستی مذهبی، فاندamentالیسم و بنیادگرایی دینی است. از این جهت، تروریسم مقدس به تروریسم بنیادگرا و تکفیری نیز معروف است. همچنین تروریسم مقدس یا بنیادگرا به دلیل اقدامات تروریستی که در بسیاری از مناطق خاورمیانه، اروپا و امریکا انجام داده است، تروریسم بین‌المللی و تروریسم کور نامیده می‌شود، زیرا بیشتر قربانیان این نوع تروریسم، شهروندان عادی و اماکن عمومی و مقدس هستند. امروزه، ویژگی بین‌المللی و جهان‌شمولی تروریسم مذهبی و بنیادگرایانه بیش از دیگر گونه‌های تروریسم برجسته و مشهور شده است.

حرکت‌های تروریستی مذهبی بر ضد جمهوری اسلامی، بیشتر به دست گروه‌های بنیادگرا و تکفیری- تروریستی داعش صورت گرفته است،^۱ ولی گروه‌هایی همفکر یا متأثر از افکار وهابیت و سلفیت مانند القاعده و مانند گروه ریگی، که گرایش‌های مذهبی- قومی دارد نیز به تروریسم مذهبی و مقدس متهم هستند.

۲-۸. تروریسم تکفیری-انتحاری

هر چند در تحلیل و توصیف تروریسم مذهبی (مقدس) به معنای عام هم وصف تکفیر را به کار بردیم، ولی تلفیق و ترکیب تکفیر و انتحار با پدیده‌ی تروریسم، «تروریسم تکفیری- انتحاری» مدرن را در جهان بنیادگرایان مذهبی به وجود آورده که

دینی به قتل می‌رسانند! (رایش، ۱۳۸۱: ۲۳۵).

۱ حملات تروریستی گروه تکفیری- تروریستی داعش در خردادماه ۱۳۹۶ در تهران - ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم مطهر امام خمینی (قدس سره)، که در نتیجه‌ی آن ۱۷ نفر شهید و دست کم ۵۲ نفر زخمی شدند، از مصادیق بارز «تروریسم تکفیری- تروریستی» داعش بر ضد جمهوری اسلامی است.

مصادق بارز آن داعش است. تروریسم تکفیری - انتحاری با انگیزه‌ها و اهداف گوناگون صورت می‌گیرد، ولی انگیزه و هدف سیاسی و مذهبی آن از برجستگی برخوردار است. امروزه، بیش از همه، انگیزه‌ی مذهبی و برداشت‌های بنیادگرایانه‌ی جزم‌گرایانه و متحجرانه از دین و مذهب در تروریسم انتحاری به چشم می‌خورد. تلقی بنیادگرایانه، متحجرانه و جزم‌گرایانه از دین و مذهب، نخست تکفیر مخالفان فکری - سیاسی و در مرحله‌ی بعد، تروریسم انتحاری بر ضد آنان را در پی دارد. بی‌جهت نیست که بسیاری از ترورهایی که امروزه در شکل انتحار انجام می‌شود، انگیزه و هدف دینی - مذهبی دارند (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۰). به نظر می‌رسد در میان مدل‌ها و گونه‌های گوناگون تروریسم، سه نوع تروریسم ایدئولوژیک، مذهبی (مقدس) و انتحاری، از اهمیت و برجستگی خاص برخوردار است، زیرا این نوع ترورها، از نظر ایدئولوژیکی و ساقط کردن ارزش حیات انسانی، خطرناک‌ترین و پرتلفات‌ترین نوع هستند. در چهار دهه‌ی گذشته، بیشترین قربانی و تلفات، تخریب اماکن مقدس مذهبی و عمومی و اموال دولتی، آسیب‌های جسمانی و روانی در خاورمیانه، به دست تروریست‌های مذهبی و انتحاری به وقوع پیوسته است. در این نوع تروریسم، چون از عنصر مقدس دین و مذهب سوءاستفاده می‌شود و در واقع مذهب و ایدئولوژی، موتور محرک جریان تروریسم قرار می‌گیرد، پتانسیل و انگیزه‌ی بیشتری برای تروریست‌ها به وجود می‌آورد. حمله‌ی انتحاری روز ۱۳۹۷/۱۱/۲۴ به اتوبوس کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در جاده‌ی خاش - زاهدان، که ۲۷ قربانی و ۱۳ مجروح در پی داشت، می‌توان از مصادیق تروریسم انتحاری دانست. مسئولیت این حرکت تروریستی انتحاری را گروه جیش‌العدل ریگی بر عهده گرفت.

۱۰-۲. تروریسم جدید: تروریسم کور

به تروریسمی که در جهان معاصر، به ویژه در خاورمیانه، شایع و رایج است، «تروریسم مدرن» یا تروریسم کور گفته می‌شود که با گونه‌های گذشته‌ی آن فرق زیاد دارد. از این گونه تروریسم نیز بر ضد جمهوری اسلامی استفاده شده است. سازمان

منافقین خلق، داعش، الاحوازیه، کومله و گروه جیش‌العدل، جزو گروه‌های تروریستی هستند که به اقدامات تروریستی کور بر ضد جمهوری اسلامی دست زده‌اند. فرق تروریسم مدرن با مدل‌های سابقش در این است که قربانیان آن بیشتر شهروندان عادی و بی‌گناهی هستند که یا به طور تصادفی انتخاب شده‌اند یا آنکه صرفاً به طور اتفاقی در موقعیت‌های تروریستی حضور داشته‌اند؛ به سخن دیگر، در زمانه‌ی ما کفه‌ی قربانیان ترور کور سنگین‌تر از ترور چهره‌هایی شاخص و سرشناس شده است (طیب، ۱۳۸۲: ۴۱).

«تروریسم کور»، امروزه، بیشتر با تروریسم مذهبی (مقدس) و بنیادگرایانه همکار و همسوست. امروزه، تروریسم بنیادگرایانه‌ی القاعده و داعش و گروه‌های همفکر و هم‌پیمانشان به سمت تروریسم کور کشیده شده است، چنانچه سازمان منافقین و جندالله به این نوع تروریسم سوق پیدا کرده بود. بیشتر قربانیان تروریسم بنیادگرا نیز مردم عادی کوچه و بازار است که به طور ناگهانی قربانی می‌شوند و مورد آماج قرار می‌گیرند. البته در بسیاری از موارد، قربانیان از گروه مذهبی رقیب و مخالف هستند.

د. گونه‌شناسی تروریسم از حیث عاملان و مجریان

در صورت‌بندی دیگر، تروریسم از حیث عامل یا عاملان ترور، به چهار نوع تقسیم می‌شود:

۱- تروریسم فردی

تروریسم فردی آن است که شخص واحد به تنهایی به ترور دست می‌زند. حال در تحقق عمل ترور یا انگیزه و هدف شخصی (خصوصیت/ دشمنی شخصی) دخالت دارد یا اینکه فرد، اجیر و مزدور حزب یا دولت معین تروریستی شده است و در قبال این کارش مزد دریافت می‌کند.

۲- تروریسم گروهی

تروریسم گروهی و سازمانی آن است که سازمان یا گروهی معین دارای تشکیلات

آن را اجرا و عملیاتی می‌کند. تروریسم گروهی معمولاً به دست گروه‌های سیاسی نظامی، مذهبی و ناسیونالیستی، با انگیزه‌ها و اهداف متفاوت صورت می‌گیرد.

۳- تروریسم دولتی

تروریسم دولتی^۱ آن است که دولت معین و معلوم در اقدام تروریستی نقش ایفا می‌کند؛ به تعبیر دیگر، تروریسم دولتی عبارت است از کشتن و از بین بردن مخالفان معارض نظام به دست حکومت، بدون آنکه جرم آنان از راه قانون، در دادگاه صالح ثابت شده باشد. دلایلی وجود دارد که ارتکاب چنین اقدامی را نامشروع می‌سازد (موسوی کاشمری، ۱۳۸۸: ۳۱۷)، ولی تروریسم دولتی منحصر به ترور شهروندان مخالف دولت نیست، بلکه تروریسم دولتی بر ضد دولت دیگر را نیز شامل می‌شود؛ برای نمونه، تروریسم دولتی اسرائیل بر ضد رهبران احزاب لبنانی و فلسطینی مخالف سازش با اسرائیل، نمونه‌ی دیگری از تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی است. ترور سیدعباس موسوی، دومین دبیرکل حزب‌الله لبنان، در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ و ترور محسن فخری‌زاده، دانشمند هسته‌ای ایران، در آذرماه ۱۳۹۹، از مصادیق بارز تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی در خارج اسرائیل است.

دولت امریکا مصداق دیگر تروریسم دولتی در عرصه‌ی بین‌الملل است. ایالات متحده در سال ۱۳۶۷ هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران را در آسمان خلیج فارس با موشک هدف قرار داد که در این فاجعه‌ی هولناک، نزدیک به سیصد انسان بی‌گناه قربانی تروریسم دولتی امریکایی شدند. در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ شمسی (سوم ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی)، هواپیمای مسافربری ایرباس ایران، که از بندرعباس عازم دُبی بود، بر فراز آب‌های خلیج فارس و در نزدیکی جزیره‌ی «هنگام» مورد هجوم یگان‌های دریایی امریکایی مستقر در آب‌های خلیج فارس قرار گرفت و سرنگون شد.

1. State terrorism

این هواپیما، که با موشک ناو جنگی «وینسنس» مورد حمله‌ی عمدی نیروهای نظامی دولت امریکا قرار گرفت، حامل ۲۹۸ مسافر و خدمه بود که همه‌ی آنها اعم از مرد و زن و کودک و نوجوان و کهنسال با وقوع این جنایت فجیع و تروریستی به شهادت رسیدند. در میان سرنشینان هواپیما، ۶۶ کودک زیر ۱۳ سال، ۵۳ زن و ۴۶ تبعه‌ی کشورهای خارجی نیز بودند که همگی کشته شدند (<http://www.irdc.ir>).

این اقدام جنایتکارانه‌ی تروریستی، که «ترور در آسمان» را در پرورده‌ی سیاه و پر از جنایت ایالات متحده به ثبت رساند، اقدام تروریستی وحشتناک دولتی به شمار می‌رود. در پی این اقدام تروریستی و جنایتکارانه، دولت امریکا از ملت ایران عذرخواهی نکرد و به فرمانده ناو وینسنس (ویلیام راجرز) مدال شجاعت داد! بدیهی است این گونه اقدام، مصداق بارز تروریسم دولتی کشوری بر ضد دولت و کشور دیگر است. نمونه‌ی دیگر، ترور سردار قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، است که در ۱۳ دی ۱۳۹۸، هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد در عملیات آذرخش کبود به دستور دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت امریکا، مورد حمله‌ی موشکی پهپاد نظامی ارتش امریکا قرار گرفت و شهید شد؛ بنابراین، ترور سردار سلیمانی از مصادیق روشن تروریسم دولتی امریکا در خارج مرزهای این کشور است.

تروریسم سازمان سیا و موساد، که از سازمان‌های اطلاعاتی - تروریستی مخالف جمهوری اسلامی است، از گونه‌های مهم تروریسم دولتی به شمار می‌روند. تروریسم دولتی مخالف جمهوری اسلامی، گاهی به شکل مستقیم به اقدامات تروریستی می‌پردازد مانند هدف قرار دادن هواپیمایی مسافری ایران در آسمان خلیج فارس و ترور سردار سلیمانی؛ گاهی هم به شکل غیرمستقیم وارد می‌شود و از سازمان‌های تروریستی داخلی برای مقاصد و اهداف سیاسی اش بهره‌برداری می‌کند، مانند حمایت آشکار دولت امریکا از گروه‌های تروریستی سازمان مجاهدین خلق و... که مخالف جمهوری اسلامی است.

یکی از گروه‌های تروریستی مرتبط با دولت امریکا، که مجری طرح‌های

خوابکارانه و تروریستی ایالات متحده در ایران برشمرده می‌شود، گروه مجاهدین خلق است. اعضای این سازمان تروریستی، تاکنون، مهره‌های اجرایی عملیات‌های طراحی شده دولت امریکا بوده‌اند. سند ذیل از نشریه‌ی لوموند پاریس، مؤید این همکاری است: «خبرگزاری فرانسه از واشنگتن گزارش داد که دولت امریکا با سازمان مجاهدین دارای تماس است... ریچارد مورفی، معاون وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه نیز در پاسخ به پرسش یکی از نمایندگان مجلس امریکا، روز سه‌شنبه وجود این تماس را تأیید کرد» (پگاه حوزه، ۱۳۸۳: ۱۵).

۴- تروریسم مختلط

تروریسم مختلط آن است که فردی به تنهایی ظاهراً عمل تروریستی را مرتکب می‌شود، ولی پشت سر این عمل تروریستی دولت، حزب یا گروه سیاسی نظامی مشخص قرار دارد که مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد.^۱

ح. نظریه‌پردازان تروریسم‌شناسی

بحث گونه‌ها و مدل‌های متعدد تروریسم را در نوشته‌ها و آثار مختلف نویسندگان و پژوهشگران تروریسم‌شناسی می‌توان یافت، ولی برخی از آنها از برجستگی برخوردارند. یکی از این برجستگان، که به تحلیل و گونه‌شناسی پدیده‌ی تروریسم پرداخته است، جیمز دردریان^۲ است. دردریان در مقاله‌ی گفتمان تروریستی؛ نشانه‌ها، دولت‌ها و نظام‌های خشونت سیاسی جهانی، تروریسم را نوعی استراتژی ارباب و خشونت تعبیر کرده است که هشت نوع به دنبال دارد: تروریسم اسطوره‌ای^۳، تروریسم آنارشستی^۴، تروریسم اجتماعی^۵، تروریسم قومی^۶، تروریسم مواد مخدر^۱.

۱ در تقسیم‌بندی ترور از نظر عاملان، وامدار احمدحسین یعقوب هستم. ر. ک: (یعقوب، ۲۰۰۲: ۳۸)

2 James Der Derain

3 myth-terrorism

4 Anarchy terrorism

5 Socio terrorism

6 Ethno terrorism

تروریسم دولتی^۲، ضد تروریسم^۳ و تروریسم ناب^۴. چنانچه گذشت، توضیح برخی از این مدل‌ها را پیش از این اشاره کردیم (برای آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های درریان از طرح این‌گونه مدل‌ها، بنگرید به: درریان، ۱۳۸۲: ۷۳-۹۸).

اندیشمند برجسته‌ای دیگری که به شایع‌ترین گونه‌های تروریسم پرداخته است، جان‌اتان وایت^۵ است. وی در کتاب خود، مقدمه‌ای بر تروریسم، قائل به پنج گونه‌ی متمایز از تروریسم شده است: تروریسم جنایی، تروریسم ایدئولوژیک، تروریسم ملت‌گرا، تروریسم دولتی و تروریسم انقلابی. تروریسم جنایی، متضمن استفاده از ترور برای جلب منفعت مادی یا روانی است. چنانچه تروریسم ایدئولوژیک نوعی تلاش برای تغییر قدرت سیاسی حاکم است. تروریسم ملت‌گرایانه نوعی فعالیت تروریستی است که از منافع گروه قومی یا ملی، قطع نظر از ایدئولوژی سیاسی آن، پشتیبانی می‌کند. و تروریسم دولتی هنگامی رخ می‌دهد که نظام‌های حاکم در روابط بین‌المللی خارج از تشریفات دیپلماتیک تثبیت‌شده، خشونت را عامدانه و هدفمندانه به کار می‌برند یا تهدید به استفاده از آن می‌نمایند و منظور از تروریست‌های انقلابی نیز اشخاصی هستند که تاکتیک‌های شبه‌پارتیزانی آنها هم در کسانی که قدرت سیاسی را در دست دارند و هم در پشتیبانان آنها ایجاد هراس می‌کند. در واقع، هدف این تروریست‌ها براندازی دولتمردان موجود و جایگزین ساختن آنان با رهبران سیاسی‌ای است که با نظرات تروریست‌ها همسویند (بنگرید به: درریان، ۱۳۸۲: ۲۰۱-۲۰۳). البته وایت یادآور می‌شود که این پنج گونه تروریسم، به هیچ وجه نمایانگر همه‌ی فعالیت‌ها و گروه‌های تروریستی موجود در سراسر جهان نیست.

1 Norco terrorism

2 State terrorism

3 Anti-terrorism

4 Pure terrorism

5 Jonathan White

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گونه‌شناسی حرکت‌های تروریستی بر ضد جمهوری اسلامی، مسئله‌ی پرفراز و نشیب ایران پس از انقلاب اسلامی است که در این مقاله به اجمال مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت. از مطالب و داده‌های این نوشتار به این نتیجه می‌رسیم که حرکت‌های تروریستی صورت گرفته بر ضد جمهوری اسلامی در دوره‌ی پساانقلاب، از مصادیق و گونه‌های مهم تروریسم در انواع گوناگون آن است؛ به تعبیر دیگر، در میان حرکت‌های تروریستی ضد جمهوری اسلامی، مهم‌ترین گونه‌های تروریسم نوین دیده می‌شود. تروریسم دولتی، تروریسم گروهی/سازمانی، تروریسم مختلط، تروریسم قومی و ناسیونالیستی، تروریسم آنارشیتی، تروریسم التقاطی، تروریسم مذهبی، تروریسم براندازانه و تجزیه‌طلبانه، تروریسم کور و تروریسم انتحاری و تکفیری، جزو گونه‌هایی مهم تروریسم است که بر ضد جمهوری اسلامی وارد عمل شده و به حرکت‌ها و فعالیت‌های تروریستی دست زده است؛ بنابراین، می‌توان گفت که جمهوری اسلامی و ایران پس از انقلاب اسلامی، تنها کشوری است که آماج این حجم گسترده از تروریسم بوده و به سخن دیگر، قربانی تروریسم در اشکال و مدل‌های گوناگون آن قرار گرفته است. ترور رهبران سیاسی، فکری و مذهبی، ترور فرماندهان و سرداران نظامی، ترور دانشمندان هسته‌ای، ترور کور شهروندان عادی و انفجار اماکن مقدس مذهبی (مساجد و حرم‌های مقدس اهل بیت -علیهم‌السلام-) و نهادها و ساختمان‌های دولتی و عمومی، از نمونه‌های عینی و روشن اقدامات تروریستی گروه‌ها و دولت‌های تروریستی دشمن جمهوری اسلامی است که در این مقاله مورد مطالعه قرار و تحلیل قرار گرفت.

فهرست منابع

۱. ایزدی، فؤاد، مهربانی‌فر، حسین، چابکی، رامین، متین جاوید، مهدی، (۱۳۹۲) ایران‌هراسی در امریکا: بازنمایی شرق‌شناسانه از برنامه‌ی هسته‌ای ایران در مستند ایران‌یوم، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، سال دهم، ۱۳۹۲، شماره‌ی ۳۵.
۲. آقابخشی، علی و مینو افشاری‌راد، (۱۳۸۳) فرهنگ علوم سیاسی، تهران: نشر چاپار.
۳. بیانیه‌ی گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، (۱۳۹۷) تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ اول.
۴. پگاه حوزه، (۱۳۸۳)، امریکا و حمایت از تروریسم داخلی ایران، پگاه حوزه، شماره ۱۳۷.
۵. پورسعید، فرزاد، (۱۳۸۵)، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره‌ی چهارم، شماره‌ی مسلسل ۳۴.
۶. جرجیس، فواز ای، (۱۳۸۲)، امریکا و اسلام سیاسی، ترجمه: سیدمحمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج دوم، تهران: کتابخانه‌ی گنج دانش، چاپ چهارم.
۸. حمزه‌زاده، حمید، (۱۳۸۴)، بیوتروریسم سلاح خاموش، تهران: نشر (آجا) ارتش جمهوری اسلامی ایران.
۹. دردریان، جیمز و جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۲) گردآورنده و ویراستار: علیرضا طیب، ترجمه: وحید بزرگی و دیگران، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ج ۴، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سیدجعفر شهیدی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۱۱. راپاپورت، دیوید، ترور مقدس، در: والتر رایش، (۱۳۸۱)، ریشه‌های تروریسم، ترجمه: حسین محمدی‌نجم، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد دوره‌ی عالی جنگ.
۱۲. رایش، والتر، (۱۳۸۱)، ریشه‌های تروریسم، ترجمه: حسین محمدی‌نجم، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد دوره‌ی عالی جنگ.

۱۳. زکی، عبدالله (۱۴۰۱)، نسبت دین و فرهنگ، براساس سه‌گانه‌ی تعریف، خاستگاه و قلمرو، دوفصلنامه‌ی علمی - تخصصی پرتو خرد، شماره‌ی ۲۴.
۱۴. سراج، رضا، (۱۳۸۸)، چرایی اتخاذ راهبرد ایران‌هراسی، ماهنامه‌ی موعود، شماره‌ی ۱۰۵.
۱۵. طاهری، محمدحنیف، (۱۳۹۴)، مطالعه‌ی تطبیقی تروریسم از منظر فقه شیعه و حنفی، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ دوم.
۱۶. طیب، علیرضا، (۱۳۸۲)، تروریسم در فراز و فرود تاریخ، در: جیمز دردریان و جمعی از نویسندگان، تروریسم؛ تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، ترجمه: وحید بزرگی و دیگران، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۱۷. عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۶)، تروریسم‌شناسی، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۱۸. علی بابایی، غلام‌رضا، (۱۳۸۵)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، چاپ چهارم.
۱۹. عمید، حسن، (۱۳۶۳)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۰. فلمینگ، پیت، و مایکل استول، (۱۳۸۲)، سایبرتروریسم: پندارها و واقعیت‌ها، در جیمز دردریان و جمعی از نویسندگان، تروریسم؛ تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، ترجمه: وحید بزرگی و دیگران، تهران: نشر نی، چاپ اول.
۲۱. فیض الهی، روح‌الله، (۱۳۸۸)، نقد و بررسی ترور در قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۲۲. کیاکجوری، کیانوش، (۱۳۹۰)، چرا ایران‌هراسی، پیام انقلاب، شماره‌ی ۴۷.
۲۳. کیخا، علیرضا، (۱۳۹۰)، گروهک عبدالمالک قطعه پازل جنگ نرم، قم: سپهر آذین، چاپ دوم.
۲۴. مطلبی جونتقانی، محسن، (۱۳۸۹)، پژاک؛ تاریخچه، اهداف و عملکرد، فصلنامه‌ی مریبان، شماره‌ی مسلسل ۳۸.
۲۵. موسوی کاشمیری، سیدمهدی، (۱۳۸۸)، دولت اسلامی و امنیت، قم: دبیرخانه‌ی مجلس خبرگان رهبری.
۲۶. ناجی‌راد، محمدعلی، (۱۳۸۷)، جهانی شدن تروریسم، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۷. ویکی‌پدیا، دانشنامه‌ی آزاد

۲۸. هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۲)، نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، ترجمه و ویرایش: مجتبی امیری وحید، تهران: وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات، چاپ چهارم.
۲۹. یعقوب، احمدحسین، (۲۰۰۲م)، حکم النبى و اهل البيت، على الارهاب و الارهابيين، لبنان-بیروت: دارالاسلامیه، الطبعة الاولى.
۳۰. <http://www.irdc.ir> سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی. تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۴/۹.

